



شب هزار و دوم

روایتگر: تورج رهنما

تصویرگر: اردشیر رستمی

www.ketab.ir

رهنما، تورج ۱۳۱۵ -

شب هزار و دوم / تورج رهنما. - تهران: چشمه، ۱۳۸۴.

۱۶۸ ص. : مصور

ISBN: 964 - 362 - 233 - 9

فهرست نویی براساس اطلاعات فیبا.

۱. داستان فارسی - قرن ۱۲، الفب. عنوان.

ش ۸۲ / هـ ۸۰۷۵ PIR ش ۸۹۴ و ۱/۶۲ فا

۱۳۸۴

۱۳۸۴

۴-۶-۸۴ م

شب هزار و دوم

تورج رهنما

تصویرگر: اردشیر رستمی

حروف نگاری: حسین ژنده دل ۷۷۵۱۱۵۵۹

لیتوگرافی: بهار

چاپ: حیدری

ناظر فنی چاپ: یوسف امیرکیان

تیراژ: ۱۵۰۰ نسخه

چاپ اول، تابستان ۱۳۸۴، تهران

حق چاپ و انتشار محفوظ و مخصوص نشر چشمه است.

شابک: ۹۶۴-۳۶۲-۲۳۳-۹

دفتر مرکزی، توزیع و فروش نشر چشمه: تهران - انقلاب، خیابان ابوریحان بیرونی، خیابان وحید نظری، شماره ۷۱

تلفن: ۶۶۹۲۵۲۴ - ۹ - ۶۶۹۵۷۵۷۷ دوتار: ۶۶۶۶۱۲۵۵

فروشگاه نشر چشمه: تهران - خیابان کریم خان زند، نبش میرزای شیرازی، شماره ۱۶۱، تلفن: ۸۸۹۰۷۷۶۶

فهرست

۱۱	پیشگفتار
۱۵	داروین
۱۸	بازگشتِ سندباد
۲۱	شجره‌نامهٔ خانوادگی
۲۳	طرحی برای شهر
۲۶	بارِ عام
۳۰	انجیرِ معابد
۳۳	آسانسور
۳۷	دخترِ سعدی

- ۴۰ گل‌های سرخ شیراز
- ۴۳ قصه بی‌بی
- ۴۵ گزارش کریستف کُلمب
- ۴۸ چگوری
- ۵۲ زنگبار
- ۵۶ باغ وحش
- ۵۹ مارکوپولو
- ۶۱ شهرزاد
- ۶۴ در بیشه‌های دشتستان
- ۶۶ ایبانه
- ۷۰ در دربارِ جیجک‌علیشاه
- ۷۳ آخرِ شاهنامه
- ۷۵ کاکا رستم
- ۷۸ در خانه‌ای به سادگی یک آه
- ۸۱ گل‌های سرخ در مه
- ۸۴ مردِ چهارم

۸۶	قطارِ بنفشه‌ها
۸۸	زبان‌شناس
۹۱	مومیایی
۹۳	چه گوارا
۹۷	میجِ دیگر
۱۰۱	پردهٔ آخر
۱۰۴	در آب‌های جنوب
۱۰۷	از متنِ یک کتیبهٔ دریایی
۱۱۰	خطاهای ما
۱۱۲	هفت سامورایی
۱۱۴	تندیس
۱۱۶	نامه‌ای از بلخ
۱۱۹	پیامِ قیصر
۱۲۱	بر فراز جیحون
۱۲۳	نویاوهٔ هزارهٔ سوم
۱۲۷	در آسمانِ شهر

- ۱۲۹ عکسِ فوری
- ۱۳۰ دیدار با پرِشت
- ۱۳۳ ژوئن ۱۹۶۱
- ۱۳۸ شاعرِ یونانی
- ۱۴۵ بهار در یک سکانس
- ۱۴۸ آهو
- ۱۵۳ یک کمدیِ غم‌انگیز
- ۱۵۵ کانگورو
- ۱۵۸ سبیلِ گرگعلی خان
- ۱۶۱ سمنار

پیشگفتار

نیرومندترین غریزه‌ای که در کودک وجود دارد، غریزه بازی کردن است. بازی وسیله‌ای است برای پالایش و ایجاد تعادل روانی. پس خطا خواهد بود اگر گمان کنیم که این غریزه در بزرگسالی از بین خواهد رفت. نه، چنین نیست! غریزه بازیگری هرگز از بین نمی‌رود، بلکه تغییر شکل می‌دهد، اما چون ما - که (ظاهراً) دوران کودکی را پشت سر نهاده‌ایم - نمی‌خواهیم (یا نمی‌توانیم) مانند کودکان بازی کنیم و می‌پنداریم که این امر با سن ما سنخیت ندارد و در خور موقعیت اجتماعی ما نیست، مسیر غریزه را تغییر می‌دهیم؛ یعنی در ذهن خود به بازیگری می‌پردازیم، یا به سخن دیگر: خیال‌پردازی می‌کنیم.

روایه‌های ما به دو شکل ظاهر می‌شوند: ۱- در خواب، یعنی در جایی که نمی‌توان عناصر آن را دقیقاً باز شناخت، آن‌ها را تنظیم کرد و به

آن‌ها شکل بخشید؛ ۲- زمانی که ما در بیداری به سر می‌بریم و می‌توانیم به رویاهای خود نظم دهیم، به آن‌ها شکل ببخشیم و آن‌ها را به دیگران منتقل کنیم.

اما خواب چیست؟

خواب، پیچیده‌ترین و قلاب‌ترین شعر روان ماست. در این جهانِ اثیری است که آرزوهای سرکوب شده ما سر برمی‌آورند و هر یک به زبانی شگفت درباره خود سخن می‌گویند. اما اگر ما زبان آن‌ها را در نمی‌یابیم، دلیل آن ناتوانی ماست. این آرزوها - که ما آن‌ها را پیش از آن‌که به سطح آگاهی ما برسند، بازپس می‌رانیم - غالباً در ژرف‌ترین لایه‌های ضمیر ما جای دارند، ولی ما - حتی زمانی که زمزمه‌های مرموز آن‌ها را از نزدیک می‌شنویم - به دو دلیل درباره آن‌ها سخن نمی‌گوییم: نخست به سبب محظورات اخلاقی و سپس به علت قیدهای اجتماعی. اما چون این دو عامل در خواب بی‌تأثیرند، پس آرزوهای سرکوفته ما می‌توانند در آن‌جا آزادانه خودنمایی کنند.

بیشتر اشاره کردیم که آدمی می‌تواند در بیداری هم به رویاهای خود مجال تظاهر دهد. آثار هنری - از جمله افسانه‌ها - کم و بیش چنین

پدید می آیند. آن‌ها همواره پایانی خوش و حتی نشاط‌انگیز دارند، یعنی در قصه‌های عامیانه - که سینه به سینه منتقل می‌شوند - همیشه «ملک جمشید» به وصال «ملک خورشید» می‌رسد!

ما به جز این گونه افسانه‌ها - که نویسندگان‌شان گمنام‌اند - نوع دیگری هم قصه داریم که آن را می‌توان «قصه هنری» یا «روایت شعرگونه» نامید. اما این قصه‌ها چه ویژگی‌هایی دارند؟ نخست آن‌که نویسنده آن‌ها فرد مشخصی است. دوم آن‌که درون‌مایه آن‌ها بیشتر جنبه اجتماعی دارد و خطاهای انسانی را فرایاد خواننده می‌آورد. سوم آن‌که یکی از عناصر سازنده آن‌ها - برخلاف قصه‌های عامیانه - انتقاد است. این انتقاد می‌تواند به شکل‌های گوناگون ظاهر شود، مثلاً به صورت طنز؛ و طنز چیزی نیست جز بیان تضادها و تناقض‌ها به گونه‌ای خوش‌آیند و دلپذیر.

اگر در قصه‌های عامیانه زمان و مکان مشخص است، در روایت‌های شعرگونه همیشه چنین نیست، یعنی در آن‌ها دو عنصر یادشده می‌توانند دارای اجزای ناهمگون باشند؛ به سخن دیگر، قصه هنری مانند خواب است که عناصر سازنده آن غالباً نامتجانس‌اند. اما تنها عاملی که در قصه

عامیانه و افسانه نو مشترک است، زبان ساده و روایی آن‌هاست. و این ویژگی شاید تنها خصوصیتی است که قصه هنری را اندکی از شعر جدا می‌کند. گذشته از آن، از نظر موضوع هم قلمرو افسانه‌های نو به سرزمینی ویژه محدود نمی‌شود، بلکه دامنه آن‌ها بسیار گسترده‌تر است. ما در ادبیات امروز خود متأسفانه به قصه‌های هنری توجهی نمی‌کنیم؛ از این رو نمونه‌های این نوع ادبی نیز فراوان نیست. تردید ندارم که توجه به این نوع ادبی می‌تواند روح زمانه را چه بسا دقیق‌تر، موجزتر و حتی مؤثرتر از برخی از انواع ادبی دیگر نشان دهد.

تورج رهنما